

میروم تا نشان شاه کزیم عقدا گوید مرد که نتواند عقدا با عشق یک بر برسد دراز
 که کم از دست تو برون عشق گوید هرگز با دانا بود
 اگر تو غل کردی آن کجاند و شفا یاب ز بیماری فرورد
 درین تعبیر آیه کرم چند است و که سرد آب باشد سودمند
 برهنه با نواز ن در چای و شکر شود این ز بار منت خلق
 اگر در خواب مکه زن برین به عیش و تن و مایه نریشنی
 باشد هیچ بیمار و رستگاری بیاید نعمت و بسیار گنجی
 به خواب آرزو جدا اندام کشند بود سرگسرو با خون پیوند
 به خواب ارجمه اسبند شود صورت فرو ن نعمت بویشت
 اگر بوشیده پیش جامه زرد بود بیماری و اندوه صدور
 جامه در ره حق صدقه اول در خواب آمدت این حکم کرد
 اگر دیدی مرغ جامه آسمان کون سنجو کنت قیاس طالع بهای کون
 اگر جامه نبود است از امن امان نفع سنجو است
 و بی باشد سیاه جامه است مباد این نخت نشد نصیبت

جامه زرد

اگر سبند که جامه زرد است نصیبت برسد بیم ز دولت
 که بخند با خریچه جامه زرد شود دفع بلا و خور حسن
 کسرت نسیخ جامه سبز درین ز بیم و بیست سلطان سبیل
 اگر پیش لباس بنزد بر فرازید نعمت دولت کسره
 اگر در خواب بویشت جامه نو بسیار نعمت خلعت آونو جامه
 اگر در خواب پیش جامه سبزی ز غمها بایست ایمن نشستن
 قبا بوشیدار سبند که پیش بیفتد جفت نشد ز بدش
 اگر نعلیان بویشت ای کوه کسرت کرا شوی کوهن و مفتون
 اگر نعلیان بیرون کردی با طلاق زن بگوید به می با
 همین حکم است کفش و موزه راگ مدار این ز خاطر را فرام
 اگر نعلیان کفش و موزه در راه ز بای اختیار رفتن نگاه
 که بوده با کثیرک تهمت راز بنات برسد جای است از

جامه سبز

جامه سبز

جامه سبز

جامه سبز

جامه سبز

جامه سبز

جامه سبز

جامه سبز